

رخداد

عامل تجاوز به ۳۷ زن اعدام شد

■ **شرق:** حکم اعدام مردی که به ۳۷ زن تجاوز کرده بود صبح دیروز در زندان مرکزی اصفهان به اجرا درآمد.محمدرضا حبیبی، دادستان اصفهان در این‌باره گفت: ۳۷ زن و دختر توسط این پیرمرد مورد تجاوز قرار گرفته بودند و این حکم دیروز پس از چهار سال از بررسی این پرونده در دادگستری اصفهان، توسط مجرایان قانون اجرا شد.

اجرای حد شرعی برای ۴ سارق

■ **ایلنا:** حکم حد شرعی برای چهار سارق در اصفهان اجرا شد. محمدرضا حبیبی، دادستان عمومی و انقلاب اصفهان در این‌باره گفت: «یک نفر از این سارقان در اصفهان و سه نفر دیگر در شهرستان‌های بادرود، تیران، کرون و نجف‌آباد در دفعات مختلف اقدام به سرقت کرده بودند.» وی ادامه داد: «سارق بادرود به علت انجام بیش از ۱۰۰ فقره سرقت احشام، سارق تیران و کرون به علت انجام چندین فقره سرقت احشام و بیش از ۱۰۰ مورد سلباقه کبفری، سارق نجف‌آباد به علت ۴۰ فقره سرقت که یک مورد از این سرقت‌ها همراه با آزار بود و سارق اصفهان نیز به علت انجام ۱۰۰ فقره سرقت از منزل به مجازات حد شرعی سرت و در کنار آن به مجازات حبس و شلاق محکوم شدند که حد شرعی آنها دیروز به اجرا درآمد.»

قتل پسر به دست پدر

■ **فارس:** مردی در بيله‌سوار معان فرزندش را به قتل رساند. این مرد در پی مشاجره خانوادگی در روستایی در بيله‌سوار معان پسر خود را با ضربات چاقو از پا درآورد. بنا بر اعلام شاهدان عینی، این حادثه به دنبال مشاجره لفظی بین پدر و پسر به وقوع پیوست. علت اختلاف رها کردن تریلر پسر به مدت دو هفته در پارکینگ و اعتراض پدر به این موضوع بود.

زن و شوهر

طلاي کودکان را سرت می‌کردند

■ **شرق:**رییس پلیس آگاهی استان خراسان‌رضوی از شناسایی و دستگیری زن و مردی خبر داد که اقدام به سرقت طلا و جواهرات کودکان می‌کردند. سرهنگ بیدمشکی با اعلام این خبر افزود: مدتی پیش زنی به پلیس مراجعه کرد و با طرح شکایتی مدعی شد زن همسایه به همراه همسر صیغهای‌اش به منزل او رفتند و پس از دادن آبمیوه مسموم، وی را بیهوش کردند و طلاهایش را به ارزش ۲۵میلیون ریال به سرقت بردند. رییس پلیس آگاهی استان خراسان‌رضوی ادامه داد: کارآگاهان در گام اول با انجام تحقیقات اولیه و بررسی شیوه و شگرد سارقان متوجه حرفهای بودن آنان شدند و پس از چهره‌نگاری از سارقان مشخص شد آنان همان سارقان طلای کودکان هستند که تحت تعقیب پلیس قرار دارند. در ادامه با راهنمایی مالی‌باخته و اقدامات اطلاعاتی کارآگاهان، محل اختفای سارقان شناسایی و هر دو سارق دستگیر شدند.بیدمشکی ادامه داد: این زن و مرد پس از مواجهه حضوری با دخترچه‌ها و زن مالی‌باخته به دهه‌ا فقره سرقت طلا از کودکان اعتراف کردند و توضیح دادند طلاجات مسروقه را با سوءاستفاده از اعتماد یک طلافروش به او می‌فروختند.

سرت از خانه خواهر

■ **پلیس خبر:** مرد سارق به خواهرش هم رحم نکرد و به خانه او دستبرد زد. سرهنگ یحیی کلاه رییس کلانتری یوسف‌آباد در این‌باره گفت: ماموران حین گشت‌زنی در خیابان «سدآبادی» به فردی که حرکات مشکوک داشت، مظنون شدند. متهم به محض مشاهده ماموران اقدام به فرار کرد و قصد ورود به منزل مسکونی در آن خیابان را داشت که طی یک عملیات ضربتی دستگیر شد.رییس کلانتری یوسف‌آباد افزود: در بازرسی بدنی از متهم به نام «شیم» که بعد انگشتش کشف و ضبط و در تحقیقات به‌عمل‌آمده مشخص شد منزلی که متهم قصد پناه گرفتن در آن را داشت، متعلق به خواهرش و آن انگشت سرتنی نیز متعلق به وی است. سرهنگ کلاه در خاتمه از تحویل متهم به مراجع ذی‌صلاح خبر داد و گفت: تحقیقات تکمیلی در این رابطه ادامه دار.

شناسایی سارقان مسلح پمپ بنزین با دوربین مداربسته

■ **شرق:** دو سارق مسلح که اقدام به سرقت از جایگاه پمپ بنزین کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. سرسرهنگ حیدری رییس پلیس آگاهی استان فارس ضمن تأیید این خبر گفت: در پی وصول گزارش‌ی مبنی بر اینکه دو سارق در حالی که مسلح به سلاح کمربی بودند وارداستراحتگاه کارگر شیفث شب پمپ بنزین روستایی مظفری از توابع شیراز شده و پس از تهدیدیی مباردت به سرقت مبلغ ۲۹میلیون ریال کرده و متواری شده‌اند، کار آگاهان با حضور در محل سرقت به بررسی مدارک و شواهد پرداختند.سرهنگ حیدری خاطرنشان کرد: یازببینی تصاویر ضبط‌شده از دوربین مداربسته جایگاه، که از این معما کشف و مشخص شد دو نفر از سارقان سابقه‌دار روستا همان دزدان مسلح پمپ بنزین هستند. در ادامه با شناسایی محل اختفای متهمان آنها در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شدند و به سرقت مسلحانه اعتراف کردند.

شرق: کارآگاهان پلیس آگاهی تهران، بازجویی‌ها از مردی را آغاز کرده‌اند که با پرس‌زدن اطراف دبستان‌ها، پسرچپه‌ها را می‌ربود و مورد آزار جنسی قرار می‌داد. پلیس به تعداد کودک‌انی که توسط این مرد مورد آزار قرار گرفته‌اند، اشاره نکرده اما اعلام کرده است تعداد اعترافات این مرد بیشتر از تعداد شاکیان است. به گزارش خبرنگار ما نخستین شکایت علیه این متهم همراه سال ۸۹ مطرح شد و او در یک سال گذشته تحت تعقیب قرار داشت تا اینکه روز ششم ماه جاری بازداشت شد. شاکای اول که مادر یک پسر هشت‌ساله بود روز ۲۴ مهر سال گذشته به شعبه دوم دادیاری دادسرای امور جنایی تهران رفت و به دادیار امیراسماعیل رضوانفر گفت مردی ناشناس پسرش را در نزدیکی دبستان مورد آزار جنسی قرار داده است. او توضیح داد: «پسرم کلاس دوم ابتدایی است. او حدود ساعت ۱۲ ظهر دیروز برای رفتن به دبستان از خانه خارج شد اما زمانی که به منزل بازگشت گفت توسط یک مرد موتورسوار مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌است.»

دادیار رضوانفر بعد از تشکیل پرونده از کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی خواست در این رابطه تحقیقات ویژه‌ای را انجام دهند و متهم را هر چه زودتر ردیابی و دستگیر کنند. نخستین کاری که باید در این زمینه انجام می‌شد بازجویی از کودک هشت‌ساله بود، اما این پسرچپه به شدت می‌ترسید و از نظر روحی شرایط مناسبی نداشت، او به سختی ماجرای را که برایش رخ داده بود، شرح داد و گفت: «آن روز بعد از خوردن ناهار، از خانه به سمت مدرسه راه افتادم. وسط راه یک آقای موتورسوار عینکی به من گفت موتورش خراب شده، او از من خواست موتور را هل بدهم بعد از روشن شدن موتورسیکلت، این آقا گفت مدیر مدرسه ما از او خواسته چند کتاب برای بچه‌های

مدرسه بخرد. وقتی دیدم او اسم مدیر مدرسه را می‌داند حرفش را باور کردم و سوار موتور او شدم و روی پاک بنزین نشستم. او از من خواست کتاب‌فروشی نزدیک مدرسه را به او نشان بدهم اما وقتی کتاب‌فروشی را نشانش دادم نگه نداشت و به راهش ادامه داد. او گفت اگر سر و صدا کنم من را می‌کشد من هم از ترسم حرفی نزدم تا اینکه به جایی رفتم و آن اتفاق افتاد.»

این پسرچپه اطلاعات زیادی از متهم نداشت و فقط می‌دانست مرد متجاوز عینک به چشم می‌زند، در چنین شرایطی ردیابی مرد ناشناس تقریباً غیرممکن به‌نظر می‌رسید.چندی بعد والدین یک پسرچپه دیگر با مراجعه به پلیس آگاهی شکایت مشابهی را مطرح کردند. این‌بار نیز یک موتورسوار عینکی پسر دبستانی را ربوده و مورد آزار قرار داده بود. پسرچپه به ماموران گفت: «آن مرد اسم مدیرمان را می‌دانست و می‌گفت دوست او است. برای همین هم حرفش را باور کردم. او گفت اگر دلم بخواهد می‌توانم سوار موتورش شوم تا کمی موتورسواری کنیم؛ من هم سوار شدم اما بعد او من را زدندید.»

پس از آن اولیای چند دانش آموز دیگر نیز شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند که نشان می‌داد مرد ناشناس همچنان به جرایمش ادامه می‌دهد و قصد ندارد به آزار کودکان پایان بدهد. کارآگاهان با بررسی گفته‌های قربانیان جدید به اطلاعات بیشتری در این رابطه دست یافتند. شواهد نشان از آن داشت که در تمامی این جرایم مردی میانسال با موهای جوگندمی

حوادث

آزار چندین پسر دبستانی توسط موتورسوار میانسال

رییس پلیس آگاهی تهران: خانواده قربانیان با اطمینان از محرمانه ماندن اسرارشان اعلام شکایت کنند

و با یک موتورسیکلت سبز رنگ، ضمن

معرفی خود به عنوان یکی از دوستان مدیر مدرسه، به بهانه شناسایی کردند، با این وجود متهم همچنان منکر آزار و اذیت پسرچپه‌ها می‌شد، تا اینکه عاقبت در حالی که

قادر به ارائه پاسخ قانع‌کننده‌ای به پلیس کارآگاهان نبوده ناچار لب به اعتراف گشود و علاوه بر آزار و اذیت شکات شناسایی شده، به تعدادی جرایم مشابه دیگر اعتراف کرد.

در ادامه، زندگی محمدرضا مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد او ۲۰ سال قبل با وجود داشتن سه فرزند همسرش را طلاق داده و از آن سه بعد با همه اعضای خانواده و حتی فرزندانش قطع ارتباط کرده و به‌تنهایی در اتاقی کوچک در منطقه مسعودیه زندگی می‌کرد. کارآگاهان همچنین پی‌بردند این مرد مجموعه‌ای از جرایم را در پرونده‌اش دارد؛ به گونه‌ای که از سال ۵۵ به بعد بارها و بارها به دلیل ارتکاب جرم‌هایی مانند ضرب و جرح عمدی، خرید اموال مسروقه، سرقت و آدم‌ربایی دستگیر شده و به زندان فرته است. بنا بر این گزارش در حال حاضر دست به کار شدند و مراقبت‌های نامحسوس پلیسی، به ویژه در ساعات تعطیلی مدارس و در اطراف دبستان‌های شناسایی شده در منطقه نظام آباد، در دستور کار قرار گرفت تا اینکه سرانجام گروهی از ماموران روز ششم مهر به رفت و آمدهای یک دستگاه موتورسیکلت سبزرنگ در محدوده یکی از مدارس ابتدایی مشکوک شدند و بلافاصله، قبل از هرگونه اقدام احتمالی سرنشین موتورسیکلت برای فرار، این وسیله نقلیه را متوقف و سرنشین آن را که مرادی ۵۲ ساله به نام «محمدرضاس» است دستگیر و به اداره شاهزهد پلیس آگاهی منتقل کردند. با آغاز تحقیقات پلیسی و در حالی که متهم تلاش داشت خود را بی‌گناه نشان دهد، کارآگاهان از شکات پرونده دعوت کردند

قتل زن جوان در پارک جنگلی

هویت متهم از بین ۲۰ هزار مکالمه تلفنی مقتول فاش شد

که او به دلیل خصومت شخصی به کام مرگ کشانده شده است. از سویی همراه شدن نسرنین با قاتل از رشت تا تازلی و رفتن به پارک‌جنگلی نشان می‌داد این زن عامل‌ جنایت را از پیش می‌شناخت و با او رابطه دوستانه داشت. کارآگاهان وقتی به تجسس درباره زندگی خصوصی نسرنین پرداختند، مطلع شدند این زن وضعیت اجتماعی خوبی نداشت و مرادوات نامتعارف او چند روز به تأیید رسید و معلوم شد خانواده آن ۲۰ساله‌ای به نام نسرنین در پلیس آگاهی رشت پرونده‌های تشکیل داده و ناپدید شدن وی را اعلام کرده‌اند. والدین نسرنین بعد از آنکه جسد را از نزدیک دیدند، هویت آن را تأیید کردند. به این ترتیب اولین گره پرونده باز شد و پس از آن کارآگاهان تلاش کردند انگیزه قتل را فاش کنند. از آنجا که مقتول زمان مرگ هیچ‌گونه نشانه‌ای از آزار جنسی همراه نداشت و وسایل او به غیر از مدارک هویتی‌اش دست‌نخورده باقی مانده بود، جای تردیدی باقی نماند

مرد معتاد به شیشه در دادگاه ادعا کرد

دوستم را به خاطر فیلم خصوصی کشتم

شد، داغ سنگینی روی

دوش من ماند. شرایط روح‌ام خیلی بد است. هم عصبانی شدم و من که تحمل می‌کنم، دوست ندارم این اتفاق برای کس دیگری بیفتد. مدار احمد با از دست دادن پسرش باید غم سنگینی را تحمل کند و من نمی‌خواهم این اتفاق

بیفتد. بنابراین، درخواست دیه دارم و در صورتی‌که احمد حاضر به پرداخت دیه باشد از قصاص صرف‌نظر می‌کنم. این زن در ادامه گفت: سنن و سالی از من گذشته و این پول به دردم نمی‌خورد اما شهرام دو فرزند دارد که باید آینده آنها تأمین شدن و بزرگ شدن، در خواست دیه کردم تا عروسم بتواند با آن پول فرزندانش را بزرگ کند. در ادامه همسر شهرام نیز به عنوان قیم فرزندانش در جایگاه حاضر شد و درخواست دیه کرد. سپس احمد به دفاع از خودش پرداخت. او گفت: اتهام‌ام را قبول دارم من شهرام را با چاقو زدم. اتفاق بدی برای من افتاده‌بود. شهرام کاری با من کرد

پنج قاره

جاری‌شدن سیل بر زندگی بیش از دو میلیون سکنه ۲۸ استان این کشور تأثیر گذاشته است. با وجود تلاش‌های مقامات دولتی، برای فرستانان موادغذایی و دارویی به سیل‌زدگان، بیش از ۵۱۲ هزار نفر از بیبماری‌های ناشی از مصرف آب‌های آلوده رنج می‌برند.

زن عنکبوتی از دیوار ۲۱ متری بالا رفت

ایسنا: زن عنکبوتی برای نبرداختن حق ورودی قلعه زونگو در شرق چین از دیسوار ۲۱ متری آن بالا رفت. این زن چینی که «ماجی» نام دارد هیچ‌گاه برای ورود به این قلعه ورودی پرداخت نکرده است. ماجی که بدون استفاده از طناب و وسایل ایمنی اقدام به این کار کرد به دیگر توریست‌ها گفت از زمان کودکی از دیوار این قلعه بالا می‌رفت و تاکنون پولی برای ورود به این قلعه پرداخت نکرده است، دو توریست دیگر نیز با دیدن

به همراه فرزندان خود به پلیس آگاهی مراجعه کنند. پسرچپه‌ها وقتی محمدرضا را دیدند همگی او را به عنوان «دوست آقای مدیر مدرسه» شناسایی کردند، با این وجود متهم همچنان منکر آزار و اذیت پسرچپه‌ها می‌شد، تا اینکه عاقبت در حالی که قادر به ارائه پاسخ قانع‌کنده‌ای به پلیس کارآگاهان نبوده ناچار لب به اعتراف گشود و علاوه بر آزار و اذیت شکات شناسایی شده، به تعدادی جرایم مشابه دیگر اعتراف کرد.

در ادامه، زندگی محمدرضا مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد او ۲۰ سال قبل با وجود داشتن سه فرزند همسرش را طلاق داده و از آن سه بعد با همه اعضای خانواده و حتی فرزندانش قطع ارتباط کرده و به‌تنهایی در اتاقی کوچک در منطقه مسعودیه زندگی می‌کرد. کارآگاهان همچنین پی‌بردند این مرد مجموعه‌ای از جرایم را در پرونده‌اش دارد؛ به گونه‌ای که از سال ۵۵ به بعد بارها و بارها به دلیل ارتکاب جرم‌هایی مانند ضرب و جرح عمدی، خرید اموال مسروقه، سرقت و آدم‌ربایی دستگیر شده و به زندان فرته است. بنا بر این گزارش در حال حاضر دست به کار شدند و مراقبت‌های نامحسوس پلیسی، به ویژه در ساعات تعطیلی مدارس و در اطراف دبستان‌های شناسایی شده در منطقه نظام آباد، در دستور کار قرار گرفت تا اینکه سرانجام گروهی از ماموران روز ششم مهر به رفت و آمدهای یک دستگاه موتورسیکلت سبزرنگ در محدوده یکی از مدارس ابتدایی مشکوک شدند و بلافاصله، قبل از هرگونه اقدام احتمالی سرنشین موتورسیکلت برای فرار، این وسیله نقلیه را متوقف و سرنشین آن را که مرادی ۵۲ ساله به نام «محمدرضاس» است دستگیر و به اداره شاهزهد پلیس آگاهی منتقل کردند. با آغاز تحقیقات پلیسی و در حالی که متهم تلاش داشت خود را بی‌گناه نشان دهد، کارآگاهان از شکات پرونده دعوت کردند

نگاه

انحراف و بزه جنسی

مریم رامشت

روان‌شناس و مدرس دانشگاه



■ هر رفتار جنسی‌ای که خارج از کلال خود انجام شود قطعاً یک انحراف محسوب می‌شود و با توجه به اینکه عامل آزار، پسران دبستانی و قربانیان خود را بدون توافق و انتخاب آنها مجبور به این کار کرده، یک بزه هم صورت گرفته است. پس در این پرونده از فردی زورپەر هستیم که هم بزه جنسی و هم انحراف جنسی دارد و قربانیان خود را از بین کسانی انتخاب می‌کرده که کمترین قدرت تدافعی نداشته‌اند اما در مورد اینکه این رفتار عامل زنتیک دارد یا عامل اکسلیی، باید گفت عموماً رفتارهای جنسی، رفتار اکسلیی هستند و افراد آن را در طول زندگی یاد می‌گیرند. عموم افرادی که چنین رفتاری از آنها بروز پیدا می‌کند خودشان در دوره‌های مختلف زندگی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، بنابراین برای جلوگیری از رفتار چنین بزرگسالانی آنها را باید در کودکی شناسایی کرد تا در آینده بزه جنسی از آنان سر نزنند این مجرمان خود در دوره‌ای از زندگی قربانی بوده‌اند و خشم و نفرت و روحیه انتقام‌جویی در آنها به وجود آمده که نتیجه درمان نشدن‌شان است. اگر قربانیان سوءاستفاده جنسی، شناسایی و درمان نشوند در آینده احتمالاً اینکه رفتار پرخطر و بزهکارانه از آنها سَر بزند بسیار زیاد است و به این ترتیب این قربانیان نیز افرادی را قربانی رفتار خود می‌کنند. برای درمان قربانیان سوءاستفاده‌های جنسی چه بهتر است که آنها را در دوران کودک‌ی شناسایی کرد چون این افراد همیشه می‌توانند آسیب‌های شدیدی به خود و دیگران بزنند اما با شناسایی و درمان می‌توان جلو عواقب کارهای آنها را گرفت و در واقع، قربانیان رفتارهای جنسی اگر درمان شوند مشکلی ندارند. از طرفی نکته‌ای که باید به آن دقت شود این است که جامعه و اطرافیان

فرد قربانی دید درستی نسبت به این موضوع ندارند، معمولاً اطرافیان، قربانیان را طرد و متهم می‌کنند. باید توجه داشت این رفتار آسیب درونی و خشم و نفرت قربانی که هرگز فرصت تخلیه نداشته را تشدید می‌کند. به تدریج قربانیانی که درمان نشده‌اند و آسیب درونی آنها به خشم و نفرت تبدیل شده قدرتمند می‌شوند و همان رفتاری را می‌کنند که روزی خودشان قربانی آن بودند. در این شرایط کاری را انجام می‌دهند که هم بزه است و هم انحراف. برای درمان افرادی که قربانی چنین جرایمی شده‌اند اولین اقدامی که لازم است انجام شود حمایت رفتاری و روانی از آنهاست و بعد حتماً باید به فکر درمان مشاوره بود. متأسفانه چنین فرآیندی در جامعه وجود ندارد و حمایت قربانیان جنسی نیز متدلی ندارد، البته باید دقت داشت اگرچه درمان ضرورت دارد اما رفتار باید انجام شود، نباید در کودکان این ضرورت به صورت اجبار باشد. قطعاً ضرورت در مان برای کودک قابل تشخیص نیست بنابراین چگونه می‌توان انتظار داشت که او تأثیرگذار بودن آن را تشخیص دهد و بنابراین باید با رفتاری که مناسب سن کودک است، او را جذب کرد تا در مان انجام شود البته ممکن است همیشه درمان به طور مستقیم به صورت ارتباط مشاور و کودک نباشد، می‌تواند درمان به اتفاق خانواده صورت گیرد. در واقع شیوه جذب با توجه به شرایط والدین و محیط آموزش متفاوت خواهد بود. از طرفی باید یادآور شد که شناسایی افراد بزرگسال با کودکی که قربانی شده‌اند، سخت‌تر از درمان است،

بنابراین راحت‌تر است تا با بالا بردن آگاهی اجتماعی خانواده و کودک آنها را با خطرات احتمالی آشنا کنیم. متأسفانه در جامعه ما نسبت به این آموزش و آگاهی‌ها دیدگاه روشن و شفاف وجود ندارد اما مطمئناً آموزش کودک و خانواده بسیار مهم و گام اول در جهت کاهش چنین وقایعی است. در مرحله بعد می‌توان قربانیانی که در اطراف‌امان هستند را شناسایی کنیم زیرا شناسایی این دسته با توجه به سلایم امکان دارد و فقط افرادی که رفتار خصوصی آنها را می‌بینند، می‌توانند با توجه به رفتار آنان و علایمی ماننداختلال شخصیت و پرخاش غیرقابل کنترل، آنان را، شناسایی کنند. در مجموع شناسایی و کار روی جمعیت هدف که معمولاً زنان و کودکان هستند کار راحت‌تری است، می‌توان به آنها آموزش داد چطور از خود دفاع و در مقابل آسیب چگونه عمل کنند. متأسفانه در کشور ما برنامه مشخصی برای حمایت و آموزش وجود ندارد. این خود احتمال قربانی شدن افراد را تشدید می‌کند. پس بهترین کار فرهنگ‌سازی توسط تدریکان، رسانه‌های گروهی و نهادهای رفاهی و روانی است. اولین توصیه برای جلوگیری از وقوع چنین حوادثی این است که حساسیت موضوع رای کودکان روشن و به آنها گفته شود این مساله کاملاً جدی است، بدهی است که این آموزش‌ها نباید به گونه‌ای باشد که کودکان احساس تهدید بزرگ را به‌دنبینی در آنها ایجاد شود. بلکه باید گفته شود چطور و باید یا شیوه‌ای هوشمندانه در برابر خطر عکس‌العمل نشان دهند. باید به کودکان شیوه‌های حفاظت از خود در قالب مهارت زندگی آموخته شود، این آموزشی است که در سیستم آموزش و پرورش ما جایی ندارد، در حالی که بهتر است از حجم مباحثی مانند فیزیک و ریاضی کشته اما مهارت‌های زندگی به کودکان آموخته شود. البته باید به دیدگاه مشخصی در مورد این شیوه آموزش رسید ما در محیط دبستان و دبیرستان دیدگاه مشخصی نسبت به این آموزش‌ها نداریم، عده‌ای این‌گونه آموزش‌ها را با فرهنگ ما هماهنگ نمی‌دانند ولی می‌توان به گونه‌ای کار کنیم که به فرهنگ نیز آسیب نرسانیم. فراموش نکنیم این اتفاقات ناگوار به دلیل نبود آگاهی، آسیب‌های جدی‌تری در فرهنگ و جامعه می‌زند؛ از طرفی لازم است برای جلوگیری از قربانی شدن کودکان، حمایت بیشتری از آنها شود، قطعاً کودکانی در سن دبستان نیاز به مراقبت بیشتری دارند باید خانواده‌ها کودکان را به مدرسه ببرند یا در صورت امکان برای آنها سرویس بگیرند و تا زمانی که قدرت تشخیص داشته باشند آنها را از محیط پرخطر دور نگه دارند. همچنین می‌توان در سنین بالاتر به نوجوانان گوشزد کرد که مراقب باشند.